

دوم

فصل

نقش قانون و مقررات در زندگی فردی و اجتماعی

هدف کلی

آشنایی با مفهوم قانون و نقش قانون و مقررات در زندگی فردی و اجتماعی

هدف‌های جزئی:

۱- آشنایی با معنا و مفهوم قانون

۲- آشنایی با نقش قانون در برقراری نظم و عدالت اجتماعی

۳- آشنایی با مفهوم جرم یا بزه

۴- شناخت علل و عوامل بزهکاری کودکان و نوجوانان

۵- شناخت راه‌های پیشگیری از وقوع بزهکاری کودکان و نوجوانان

هدف‌های رفتاری: پس از پایان این فصل، از فراگیر انتظار می‌رود بتواند:

۱- قانون را تعریف کند.

۲- درباره مصادیق قانون‌گریزی و پیامدهای آن بحث کند.

۳- نقش قانون و مقررات را در نظم اجتماعی بیان کند.

۴- جرم یا بزه را تعریف کند.

۵- درباره عوامل بزهکاری کودکان و نوجوانان و به‌ویژه تأثیر خانواده بر بزهکاری

آنان توضیح دهد.

۶- راه‌های پیشگیری از وقوع بزهکاری کودکان و نوجوانان را تبیین کند.

۷- پیامدهای برخی از جرائم و راه‌کارهای قانونی مقابله با آن را بیان کند.

مفاهیم و واژه‌های کلیدی: قانون، قانون‌گریزی، جرم (بزه)، نظم اجتماعی،

پیشگیری، مجازات و اقدامات اصلاحی و تربیتی

۲-۱- معنای عام و خاص قانون

یکی از منابع حقوق، قانون است، در این مبنا قانون در برابر عرف به کار می‌رود و مقصود از آن تمام مقرراتی است که از طرف یکی از سازمان‌های صالح دولتی وضع شده باشد. خواه این سازمان قوه مقننه یا رئیس دولت یا یکی از اعضای قوه مجریه باشد.

در معنای خاص، قانون به قواعدی گفته می‌شود که با تشریفات که در قانون اساسی مقرر گردیده از سوی مجلس شورای اسلامی وضع می‌شود و یا از راه همه‌پرسی، به طور مستقیم به تصویب می‌رسد و پس از امضای رئیس حکومت، قوه مجریه و قوه قضائیه آن را به موقع به اجرا درمی‌آورد.

مراحل وضع قانون : مراحل وضع قانون بطور خلاصه عبارتند از :

۱- تصویب قانون

۲- امضای قانون

۳- انتشار قانون

الزام ناشی از قانون : پس از انتشار و گذشتن مهلت اجرای قانون، رعایت احکام آن بر همه واجب است و هیچکس نمی‌تواند به بهانه جهل به قانون، از اجرای آن خودداری کند و در هیچ صورتی ادعای جهل به قانون پذیرفته نیست.

۲-۲- فلسفه وجود قانون

فلسفه وجود قانون، برقراری نظم و آرامش در جامعه است و قانون تصویب و اجرا می‌شود تا پاسدار حقوق و آزادی‌های فردی باشد و از شهروندان حمایت کند.

قانون و نظم اجتماعی : پایه و بقای جامعه انسانی نظم اجتماعی است. انسان برای زندگی در اجتماع و برای رفع نیازها و برآورده ساختن علایق خویش با دیگر افراد اجتماع رابطه برقرار می‌کند و به کنش متقابل با آنان می‌پردازد، اما جامعه برای حفظ بقاء و هویت خویش، افراد را ناگزیر می‌سازد تا روابط و کنش‌های خود را در محدوده چارچوب‌های معین و براساس الگوهای خاص سازمان دهند.

در هر گروه اجتماعی اعم از خانواده، مدرسه، کارگاه، کارخانه، سازمان اداری و غیراداری، سازمان ورزشی یا هنری، نماد مذهبی یا غیرمذهبی، جامعه روستایی یا شهری روابط و حقوق و تکالیفی بین افراد وجود دارد. این روابط باید تابع قواعدی الزام‌آور باشد که مقررات و قواعد اجتماعی نامیده می‌شود. چنانچه این قواعد و مقررات به وسیله مقام صلاحیتدار قانونی و به موجب نوشته‌ای تصویب شود، نام «قانون» به خود می‌گیرد. از این رو وجود و بقای هر اجتماع نیازمند «قانون» است :

از جمله :

۱- قوانین مربوط به روابط حقوقی میان افراد

۲- قوانین مربوط به ایجاد امنیت و نظم عمومی

عدم رعایت بسیاری از این قوانین اثرات و پیامدهایی دارد : مثلاً در مورد روابط حقوقی میان افراد، معامله یک خانه مسکونی یا مغازه یا اتومبیل قوانینی وجود دارد که عدم رعایت آنها موجب اختلاف میان افراد می‌شود. در این موارد الزام به رعایت قوانین مربوطه موجب حل اختلاف، جبران خسارت، احقاق حق و یا باطل کردن معامله می‌شود.

در مورد دوم یعنی قوانین مربوط به نظم عمومی، عدم رعایت آنها اثرات و پیامدهای وخیم‌تری دارد. برای مثال سرقت، قتل، ضرب و جرح مردم، به حبس، اعدام و محرومیت از آزادی و حقوق اجتماعی که آن را مجازات یا کیفر می‌نامند، می‌انجامد.

جرم و جنایت سبب ناامنی می‌شود و نظم جامعه را برهم می‌زند و ترس از جرم را بر مردم مستولی

می‌گرداند.

افزایش جرم در یک جامعه مانع توسعه اقتصادی و اجتماعی و به عبارت بهتر مانع پیشرفت

جامعه می‌گردد.

نظم عمومی عبارت است از : استقرار آرامش، امنیت، صلح و سازش و مهیا کردن امکانات برقراری روابط اقتصادی، اجتماعی، حقوقی، سیاسی و فرهنگی و حفظ حقوق جامعه از تعرضات و متوقف کردن اعمال غیرمجاز، بنابراین هرگاه عملی امنیت عمومی، حیات، شرافت و آزادی فردی و ناموس و اموال دیگران را مورد تعرض قرار دهد، نظم اجتماعی را برهم زده است.

اما برای برقراری نظم عمومی ضروری است که اعمال و رفتارهای ممنوعه (جرایم) و مخل نظم و امنیت توسط قانونگذار بیان شود و واکنش جامعه و ضمانت اجرای لازم نیز دقیقاً روشن گردد تا سبب سوء استفاده از قدرت نشود.

قانون‌گریزی و نقش قانون در مقابله با آن : قانون‌گریزی شرایطی است که در آن مردم خارج از

قانون عمل می‌کنند. از مصادیق قانون‌گریزی می‌توان به عدم رعایت مقررات راهنمایی و رانندگی (عبور از چراغ قرمز، سبقت غیرمجاز، عدم رعایت خط‌کشی عابر پیاده، ورود ممنوع و...) سرقت اموال دولتی، توهین و ایجاد مزاحمت برای دیگران، ضرب و جرح، آلوده کردن محیط زیست، کلاهبرداری، دزدی و ... اشاره کرد.

از جمله پیامدهای قانون‌گریزی، نابرابری و تضاد اجتماعی است در مواردی که عده‌ای با نادیده گرفتن قانون یا سوء استفاده از آن صاحب موقعیت یا ثروتی می‌گردند و با تصاحب همه امکانات و

فرصت‌ها حقوق دیگران را پایمال می‌کنند. شهروندانی که شاهد این وضعیت هستند، ناامید و بی‌اعتماد می‌گردند و در نتیجه قانون‌گریزی آمرانه به قانون‌شکنی معترضانه در میان اقشار آسیب دیده تبدیل می‌شود. به عبارت دیگر در مواردی که مردم شاهد از دست رفتن حقوق خود توسط قانون‌شکنان حرفه‌ای هستند خود نیز به ستیزه با قانون برمی‌خیزند و در نتیجه نظم جامعه مختل می‌گردد.

امروزه حاکمیت قانون مهم‌ترین عامل توسعه جوامع است، توسعه اجتماعی و اقتصادی جوامع در گرو فضای امن برای سرمایه‌گذاری و بازار مطمئن است تا رفاه و آسایش همگان تأمین گردد.

۲-۳- نقش قانون در برقراری عدالت

عدالت یک اصل اجتماعی بزرگ اسلام است. برای اجرای عدالت دو چیز لازم است: نخست آگاهی مردم از حقوق حقه خود و دوم نهادینه‌شدن فرهنگ احترام به حقوق دیگران و عدم تجاوز از حد و حدود خود.

پیامبر اسلام حضرت محمد (ص) می‌فرماید: کشور با کفر باقی می‌ماند اما با ظلم باقی ماندنی نیست.^۱

از این روی عدالت و ثبات اجتماعی و اقتصادی و پیشرفت جامعه در صورتی امکان‌پذیر است که قانون اجرا شود.

ابعاد عدالت اجتماعی:

* عدالت قضایی: یعنی همه شهروندان بتوانند از حقوق یکسان در این زمینه برخوردار باشند و بیشترین نقش را در این رابطه قوه قضائیه بر عهده دارد.

اصل ۲۲ قانون اساسی مقرر می‌دارد:

«هیچکس را نمی‌توان دستگیر کرد مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می‌کند.»

اصل ۳۵ قانون اساسی مقرر داشته است:

«در همه دادگاه‌ها، همه طرفین حق دارند برای خود وکیل انتخاب نمایند.»

اصل ۳۸ قانون اساسی مقرر داشته است:

«هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار یا کسب اطلاع ممنوع است.»

اصل ۳۹ قانون اساسی نیز مقرر می‌دارد:

«هتک حرمت و حیثیت کسی که به حکم قانون دستگیر، بازداشت و زندانی یا تبعید شده به هر

۱- الملکُ یُبقی معَ الکفر و لا یبقی معَ الظلم

صورت که باشد ممنوع و موجب مجازات است.»

* عدالت اجتماعی: در زمینه سیاسی و فرهنگی: یعنی این که شهروندان از امکانات آموزشی، بهداشتی و اطلاع‌رسانی مساوی برخوردار باشند تا بستر جامعه برای مشارکت شهروندان در تعیین سرنوشتشان فراهم گردد.

* عدالت اقتصادی: عبارت است از توزیع عادلانه درآمد و ایجاد رفاه اقتصادی برای عموم مردم. در زمینه توزیع ثروت، تعدیل مالیات‌ها و اصلاح منابع، اخذ مالیات در توزیع عادلانه درآمد و رفاه اقتصادی برای عموم مردم تأثیر دارد. از این روی کسانی که از امکانات بیشتری در جامعه سود می‌برند، باید مالیات بیشتری نیز بپردازند.

از آنجا که فلسفه وجود قانون، برقراری نظم و آرامش در جامعه است، بنابراین خود قانون نباید بر هم‌زننده نظم و آرامش باشد. قانون تصویب می‌شود تا پاسدار حقوق و آزادی‌های فردی باشد و از شهروندان حمایت کند. برای تحقق چنین امری نهاد تصویب‌کننده و اجراکننده قانون از یکدیگر تفکیک شده و مستقل‌اند.

قوه مقننه یا قانون‌گذاری قانون را تصویب می‌کند. قوه مجریه آن را اجرا می‌کند. قوه قضاییه اجرای آن را تضمین می‌کند.

برای اجرای قوانین و احقاق حقوق شهروندان، دادگاه‌های صالح تشکیل شده است. هر شخص می‌تواند دادخواهی و شکایت خود را در این دادگاه‌ها مطرح نماید.

۴-۲- بزه یا جرم چیست؟

از نخستین پدیده‌هایی که با تجمع افراد در جوامع اولیه آشکار گردید بزه یا جرم بود، زیرا گردهم‌آمدن مردم، زمینه نافرمانی‌ها و برخوردهای گوناگونی را بوجود آورد که به نفع افراد و اجتماع نبود. از این‌رو دستورات و مقرراتی شکل گرفت که تا حدودی افراد را مقید می‌کرد و قدری از آزادی آنان را که به سود اجتماع نبود کاهش می‌داد. با پیشرفت جوامع و افزایش جمعیت، مشکلات و برخوردهای بیشتری بوجود آمد و در نتیجه جرایم موجود در جامعه رو به افزایش نهاد و مقررات جدیدتری بنیان نهاده شد. واکنشی که اجتماع از همان ابتدا علیه کسانی که برخلاف مقررات جامعه اقدام می‌کردند - از خود نشان داد، به شکل مجازات بود.

برای شناخت جرم باید تاریخچه آن مورد مطالعه قرار گیرد. زیرا در ادوار تاریخی مختلف تعریف جرم تغییر نموده است و اشکال مختلفی در هر جامعه خاص و در زمانی معین به خود گرفته و واکنش‌های

علیه آن نیز به صورت اعمال مجازات‌های مختلف تجلی نموده است. از این رو برداشت‌های گوناگونی از مفهوم جرم وجود دارد که هر کدام نشان‌دهنده دیدگاه علمی متفاوتی است.

جرم از نظر لغوی به معنای گناه، خطا و بزه به کار می‌رود. در فرهنگ دهخدا جرم به معنای گناه و تعدی آمده است.

شاید بتوان یک تعریف کلی به شرح زیر از جرم ارائه داد.

«جرم عبارت است از نقض قوانین حاکم بر رفتار اجتماعی آن گونه که در یک ماده قانون کیفری توضیح داده شده است و این قوانین توسط مردمی که نیروی سیاسی و اجتماعی دارند بوجود می‌آید و در صورتی که افراد این قوانین را نقض کنند محکوم به مجازات پیش‌بینی شده در قانون می‌شوند که توسط مجریان قانون اعمال می‌شود و به دنبال آن بدنامی اجتماعی و از دست دادن منزلت اجتماعی نیز برایشان به وجود می‌آید.»

جعل اوراق

– ماده ۵۲۷ قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد:

– هر کس مدارک اشتغال به تحصیل یا فارغ‌التحصیلی یا تأییدیه یا ریزنمرات تحصیلی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و تحقیقاتی داخلی یا خارج از کشور یا ارزشنامه‌های تحصیلی خارجی را جعل کند یا با علم به جعلی بودن، آن را مورد استفاده قرار دهد، علاوه بر جبران خسارت به حبس از یک تا سه سال محکوم خواهد شد. در صورتی که مرتکب، یکی از کارکنان وزارتخانه یا سازمان و یا مؤسسات وابسته به دولت یا شهرداری‌ها یا نهادهای انقلاب اسلامی باشد یا به نحوی از انحاء در امر جعل یا استفاده از مدارک و اوراق جعلی شرکت داشته باشد به حداکثر مجازات محکوم می‌گردد.

*** بزهکاری کودکان و نوجوانان:** بزهکاری شناخت عواملی است که جرم ایجاد می‌کند. در بزهکاری کودکان و نوجوانان «سن» افراد حائز اهمیت است. دو نوع اعمال بزهکارانه ممکن است از کودکان و نوجوانان سرزند که آنان را با واکنش اجتماعی مواجه سازد.

۱- در صورتی که کودکان و نوجوانان مرتکب اعمالی شوند که اگر بزرگسالان همان اعمال را انجام دهند، جرم محسوب می‌شود و آنها در معرض مداخله قانونی قرار می‌گیرند، مانند نوجوانی که

مرتکب قتل، ضرب و جرح، چاقوکشی، دزدی از مغازه‌ها و جعل اسناد رسمی و دولتی و ... گردد که در این صورت فرد بزهکار توسط پلیس دستگیر می‌شود و در مکانی که منحصرأً به بزهکاران نوجوان اختصاص داده شده بازداشت می‌شود و در صورت محکومیت در دادگاه اطفال، به مؤسسه اصلاحی- تربیتی اعزام می‌شود.

۲- در صورتی که کودکان و نوجوانان مرتکب اعمالی شوند که به اقتضای سن و ماهیت رفتار، تخلف محسوب می‌گردد، در صورت ارتکاب از سوی بزرگسالان تخلف شناخته نمی‌شود مثل فرار از خانه و مدرسه، یا نافرمانی و تمرد از دستورات والدین، یا تخریب اموال مدرسه، یا ولگردی که کودک و نوجوان را در معرض خطر قرار می‌دهد. در این موارد نیز کودک و نوجوان بزهکار شناخته می‌شود و در معرض بازداشت و رسیدگی دادگاه ویژه اطفال قرار می‌گیرد.

*** بزهکار کیست؟** محققان به این واقعیت پی برده‌اند که هر معلولی دارای علتی است و هیچ چیز به خودی خود بوجود نمی‌آید. به این ترتیب هر جرمی دارای عوامل سازنده‌ای است که بر روی فرد اثر می‌گذارد و او را ناسازگار می‌سازد. از این رو هر فردی که مرتکب جرم می‌شود، زیر فشارهای گوناگون از مرز سلامت می‌گذرد و مجرم می‌شود.

امروزه، در اثر تلاش جرم‌شناسان، بزهکاران از جنبه‌های گوناگون روانی، هوشی، اخلاقی و اثراتی که خانواده، اجتماع، فرهنگ و اقتصاد بر شخصیت آنان باقی می‌گذارد، مورد مطالعه قرار می‌گیرند. بزهکاری کودکان و نوجوانان نه تنها مشکلاتی برای این گروه سنی فراهم می‌آورد بلکه گاه خطرات و خسارات جدی هم برای بزه‌دیدگان و هم جامعه ایجاد می‌کند. کودکان و نوجوانان به دلیل ارتکاب تخلفاتی دستگیر می‌شوند که میزان خطرناکی آن ممکن است از ولگردی تا قتل در نوسان باشد.

اغلب افراد ممکن است در کودکی و یا نوجوانی مرتکب رفتارهای خلاف شده باشند که پس از رسیدن به سن ۲۰ سالگی و بیشتر به شکلی قانونمند زندگی را ادامه می‌دهند. اما تعداد کمی از بزهکاران جوان که از سن کم، رفتارهای ضداجتماعی را شروع می‌کنند، مرتکب اعمال مجرمانه خطرناک و خشونت‌بار می‌شوند که تا بزرگسالی ادامه می‌دهند و تبدیل به مجرمان همیشگی می‌شوند. با توجه به این که کودکان امروز آینده‌سازان جامعه فردا هستند، اندیشمندان با مطالعه مشکلات کودکان و نوجوانان بزهکار و علل بزهکاری آنان، در پی یافتن شیوه‌های نوین پیشگیری و کنترل بزهکاری آنان هستند.

کودکان و نوجوانان به دلایل خانوادگی، تربیتی و فرهنگی (اقتصادی و اجتماعی) و حتی سیاسی ممکن است به رفتارهای بزهکارانه سوق داده شوند. آنچه مسلم است بزهکاری کودکان و نوجوانان در سطح جامعه پراکنده است و مختص گروه یا طبقه خاصی نیست و به علاوه برخلاف بزرگسالان بزهکاری

از پلیدی فکر آنان نشأت نمی‌گیرد بلکه عوامل خانوادگی و تربیتی، معضلات اجتماعی - اقتصادی و سیاسی و در بسیاری از موارد هم بی‌تجربگی، جوانی، سادگی و یا شیطنت‌های کودکی و جوانی که اقتضای سن آنان است، زمینه قانون شکنی را فراهم می‌آورد.

۵-۲- واکنش جامعه در مقابل جرم

از دیرباز واکنش اجتماع بر علیه کسانی که بر خلاف مقررات موجود اقدام می‌کرده‌اند به صورت مجازات بوده است. به عبارت ساده‌تر مجازات واکنش رسمی در برابر جرم است.

هنگامی که فردی به علت نادیده گرفتن قانون مجازات می‌شود صرفاً به دلیل خطایی که مرتکب شده مجازات نمی‌شود بلکه عوامل دیگری نیز تأثیرگذار است از جمله «سن» فرد یکی از معیارهای مهم در تعیین مجازات است. کودکان در صورت ارتکاب جرم فاقد مسئولیت کیفری هستند^۱.

*** واکنش جامعه نسبت به کودکان و نوجوانان بزهکار:** بر طبق حقوق کیفری، کودکان در صورت ارتکاب جرم فاقد مسئولیت کیفری هستند، لیکن ضرورت وصول به اهداف عالیّه تعلیم و تربیت و بازسازی شخصیت کودکی که مرتکب جرمی شود و پیشگیری از ارتکاب مجدد جرم توسط وی لازم می‌نماید که نظام قضایی کشور در تأمین اهداف مذکور، موضوع ارتکاب جرم توسط کودکان را پیگیری و واکنش جزایی مبتنی بر اصول علمی اتخاذ نماید. اما شرایط روحی - روانی و اجتماعی کودکان از یک سو و اهداف تربیت و بازسازی اجتماعی آنان از سوی دیگر ضرورت دادرسی ویژه کودکان را توجیه می‌کند.

*** نظام دادرسی ویژه کودکان:** کودکان متهم یا محکوم به نقض قانون کیفری به دلیل سن و شرایط خاص نیازمند توجه و حمایت خاص در سیستم قضایی می‌باشند. لذا نظام دادرسی ویژه کودکان، شامل مجموعه قوانین جامع و مستقل از قوانین دادرسی بزرگسالان است که مراحل را که یک نوجوان از بدو تماس با نظام قضایی تا زمانی که نظام را ترک می‌کند را تشریح و توصیف می‌نماید.

اما مسئولیت جامعه در قبال کودکان و نوجوانان بزهکار، به مراتب سنگین‌تر از مجرمین بزرگسال است و چنانچه در اصلاح و تربیت و یا درمان آنان سهل‌انگاری شود جزء جنایتکاران خطرناک در خواهند آمد. اکثر بزهکاران حرفه‌ای خطرناک، کسانی هستند که اولین جرم خود را در سنین طفولیت مرتکب شده‌اند. از این روی توصیه متخصصین این است که باید تا حد امکان از رویارویی کودکان و نوجوانان با دستگاه عدالت کیفری (دادگاه) جلوگیری نمود و در مورد جرایم کوچک قابل گذشت با میانجیگری

۱- براساس کنوانسیون حقوق کودک هر انسانی که دارای سن کمتر از ۱۸ سال باشد کودک محسوب می‌شود.

و ادا نمودن کودک یا نوجوان خطا کار با رویارویی با قربانی جرم و جبران خسارت وارده و یا ترمیم خسارت و یا انجام کار عام‌المنفعه، قضیه را فیصله داد.

تجربه ثابت نموده است که با مجازات و تنبیه نمی‌توان از بزهکاری کودکان و نوجوانان و تکرار جرم پیشگیری کرد، زندان و مجازات‌های شدید نه تنها تأثیری در تغییر رفتار و اعمال افراد ندارد، بلکه گاهی حس انتقام‌جویی را تشدید و فرد را به تکرار جرم سوق می‌دهد.

به‌طور کلی پیشگیری از جرم، مؤثرتر و کم‌هزینه‌تر از اقدامات و تدابیر واکنشی است و یکی از راه‌های مبارزه با جرم آن است که علل اجتماعی جرم را کشف و برای بهبود وضع مادی و معنوی افراد جامعه با آن علل مبارزه کرد.

یادآور می‌شود که دادگاه اطفال برای رسیدگی به بزهکاری کودکان و نوجوانان کمتر از ۱۸ سال تأسیس گردیده است.

کودکان و نوجوانان بزهکار پس از دستگیری و محاکمه در دادگاه اطفال، در صورت مسجل شدن جرم، محکوم به حبس در کانون اصلاح و تربیت می‌گردند.

فعالیت در منزل (۱)

به پرسش‌های زیر پاسخ دهید :

- ۱- تعریف عام قانون را بنویسید.
- ۲- مهم‌ترین قانون هر کشور چه نام دارد؟
- ۳- آیا کسی می‌تواند به بهانه نداشتن قانون از اجرای آن خودداری کند؟
- ۴- قانون‌گزینی یعنی چه؟ مثالی بیاورید.

فعالیت در کلاس (۱)

بحث گروهی

به چند گروه تقسیم شوید. هر گروه حداقل ۵ مورد از مصادیق قانون‌گزینی در جامعه را انتخاب کند. سپس فهرستی از پیامدها و علل هر مورد تهیه کنید. نماینده هر گروه، نتیجه را در کلاس بخواند و گروه‌ها با هم گفتگو کنند. جمع‌بندی نهایی را روی تخته کلاس بنویسید.

فعالیت در منزل (۲)

به پرسش‌های زیر پاسخ دهید.

- ۱- چه موقع یک عمل جرم محسوب می‌شود؟
- ۲- آیا فرار از خانه و مدرسه یا نافرمانی از دستور والدین یا بیرون ماندن از منزل تا دیروقت جرم است؟
- ۳- آیا دست بردن در یک سند دولتی مانند کارنامه، شناسنامه و گذرنامه و دفترچه بیمه، جرم است؟ مجازات این کارها چیست؟
- ۴- رسیدگی به جرایم کودکان و نوجوانان در چه محکمه‌ای صورت می‌گیرد؟ اگر کودکی به جرمی محکوم شود به کجا منتقل می‌شود؟
- ۵- در هنگام مشاهده وقوع یک جرم یا بروز یک خطر با چه کسی تماس می‌گیرید؟

فعالیت در کلاس (۲)

بحث گروهی

- ۱- به نظر شما چه عواملی موجب بزهکاری کودکان و نوجوانان می‌شود؟ برای مقابله با این عوامل چه راهکارهایی پیشنهاد می‌کنید؟ به طور گروهی، فهرستی از علل و عوامل و راهکارهای پیشنهادی را بنویسید و سپس گروه‌ها با یکدیگر گفت‌وگو کنند.
- ۲- صاحب‌نظران معتقدند «ولگردی» پایه بیشتر جرایم است. چرا ولگردی را مدرسه بزهکاری نامیده‌اند؟ توضیح دهید و استدلال کنید، برای مقابله با این پدیده چه راهکارهای عملی پیشنهاد می‌کنید؟

با کمک دبیر، یکی از صاحب‌نظران (برای مثال یک مشاور خانواده‌ی دادگاه‌ها، قاضی اطفال، مددکار کانون اصلاح و تربیت، یکی از داوطلبان آزاد و مردمی کانون اصلاح و تربیت، یا فردی از بخش مشاوره‌ی دانش‌آموزی نیروی انتظامی محل) را به کلاس دعوت کنید و از وی بخواهید تا درباره‌ی مسائل مربوط به شما صحبت کند و به سؤال‌های شما پاسخ دهد.

فعالیت در کلاس (تکمیل داستان) (۳)

موضوعات ۱ و ۲ را بخوانید. داستان را تکمیل کنید و پیامدهای هریک از حوادث را به‌طور کامل شرح دهید. سپس داستان کامل خود را در کلاس برای سایر دانش‌آموزان بخوانید.

۱- ناصر ۵ سال پیش موفق شد با زحمت بسیار دیپلم بگیرد و در دانشکده‌ای قبول شود. این دانشکده علاوه بر دیپلم و قبولی در کنکور، حداقل معدل ۱۰ را به‌عنوان شرط پذیرش اعلام کرده بود. ناصر کوشش کرد راهی برای ورود به دانشکده بیابد و با دست‌کاری در نمره‌ی دیپلم به دانشکده راه یافت. در سال سوم دانشگاه او در یک شرکت معتبر به صورت قراردادی مشغول به کار شد تا پس از پایان تحصیلات به استخدام رسمی درآید. اما مسئول دبیرخانه، در هنگام تنظیم مدارک لیسانس او، متوجه دستکاری او در دیپلم که یک سند دولتی است شد و این موضوع را به مسئولین گزارش کرد و ...

۲- منصور اغلب سر به سر علی می‌گذاشت، در یکی از روزها هنگام بازگشت از مدرسه برای آنکه علی را غافلگیر کند از پشت سر او را هل داد. علی نتوانست تعادل خود را حفظ کند و به زمین خورد و سرش به جدول کنار خیابان اصابت کرد و بیهوش شد. عابران جمع شدند و

با تحقیق مراحل برخورد و متوقف نمودن هریک از جرایم زیر را به‌طور کامل توضیح دهید:

- ۱- چندی است که جوانی با ایجاد مزاحمت آرامش فکری زهره و خانواده‌اش را برهم زده. زهره برای مقابله با این فرد مزاحم چه باید بکند؟
- ۲- چندی است زباله‌های بیمارستانی، بدون رعایت اصول بهداشتی و ایمنی در اطراف یک محله مسکونی تخلیه می‌شود. ساکنان محله از چه کسانی باید شکایت کنند؟